

برپال حکمت

توضیح نموداری بدایة الحکمة

www.ketab.ir



برنال حکمت | توضیح نموداری بدایة الحکمة

محمد صادق عباسی آغوی

عباسی آغوی، محمد صادق، ۱۳۷۵؛ عنوان قراردادی بدایة الحکمة، عنوان: برنال حکمت: توضیح نموداری بدایة الحکمة، قم باران حکمت، ۱۳۹۳، ۱۹۲ ص.

ISBN: 978-600-94524-0-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر بر اساس کتاب «بدایة الحکمة» اثر «محمد حسین طباطبائی» است.

عنوان دیگر: توضیح نموداری بدایة الحکمة

موضوع: فلسفه اسلامی، عرفان و فلسفه

رده بندی کنگره: ۲۱۴۹۳ع/۴۰۳ب/۱۳۹۲ BBR

رده بنده دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۳۸۹۱

ناشر: باران حکمت

چاپ: عثرت

نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

ویراستار علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی عباسی

تلفن: ۰۹۳۵۹۶۸۸۱۷۸

رایانامه: baranehekmat.pub@gmail.com

دورنگار: ۰۲۵-۳۷۲۰۶۹۱۳

دفتر فروش: قم، چهار راه شهدا، بوستان کتاب.

شماره انتشار: ۸ | موضوع: فلسفه و عرفان (۱)

فهرست

۱۶	حرف اول
۱۷	پیش درآمد
۲۱	مقدمه
۲۱	تعریف، موضوع و هدف (غایت) فلسفه
۲۱	تعریف علم فلسفه
۲۱	موضوع علم فلسفه
۲۲	غایت و هدف فلسفه
۲۴	مرحله اول: کلیات مباحث وجود
۲۴	فصل اول: بدیهی بودن مفهوم وجود
۲۵	فصل دوم: مفهوم وجود مشترک معنوی است
۲۵	توضیح جایگاه بحث
۲۶	براهین اشتراک معنوی وجود
۲۷	رد اشتراک لفظی وجود
۲۷	فصل سوم: وجود زائد و عارض بر ماهیت است
۲۸	برهان اول
۲۸	برهان دوم
۲۸	برهان سوم
۲۸	فصل چهارم: اصالت وجود و اعتباریت ماهیت
۲۸	براهین بر اصالت وجود
۳۰	قائلین به اصالت ماهیت
۳۰	سخن محقق دوانی
۳۱	فصل پنجم: وجود حقیقی مشکک است
۳۱	بیان تمایز تشکیکی

۳۲	بیان نظر برخی فلاسفه مشاء.....
۳۲	برهان بر اثبات حقیقت تشکیکی وجود.....
۳۴	فصل ششم: آن چه وجود بدان تخصص می یابد.....
۳۵	اشکال.....
۳۵	جواب اجمالی.....
۳۵	جواب فخر رازی.....
۳۶	جواب محقق دوانی.....
۳۶	جواب مرحوم سید سند.....
۳۶	جواب نسبت داده شده به ملا هادی سبزواری.....
۳۷	بیان جواب حق.....
۳۷	فصل هفتم: احکام سلبی وجود.....
۴۰	فصل هشتم: نفس الامر.....
۴۱	فصل نهم: شئیت مساوق وجود است.....
۴۱	سخن بعضی از معتزله.....
۴۱	قول به حال.....
۴۲	فصل دهم: تمایز و علیتی در عدم نیست.....
۴۳	فصل یازدهم: از معدوم مطلق خبر داده نمی شود.....
۴۳	شبهه معدوم مطلق.....
۴۳	فصل دوازدهم: اعاده معدوم بعینه محال است.....
۴۴	برهان اول.....
۴۴	برهان دوم.....
۴۴	برهان سوم.....
۴۴	برهان چهارم.....
۴۸	مرحله دوم: وجود ذهنی و خارجی.....
۴۸	فصل اول.....

فهرست ■ ۷

۴۸	 اقوال
۴۹	 برهان‌های مشهور بر اثبات وجود ذهنی
۵۰	 نتیجه
۵۰	 اشکال اول
۵۱	 اشکال دوم
۵۹	 اشکال سوم
۵۹	 اشکال چهارم
۶۰	 اشکال پنجم
۶۱	 اشکال هفتم
۶۴	 مرحله سوم: تقسیم وجود به مستقل و رابط
۶۴	 فصل اول: وجود فی نفسه و فی غیره
۶۵	 فصل دوم: کیفیت اختلاف وجود رابط و مستقل
۶۶	 فصل سوم: تقسیم وجود فی نفسه به لنفسه و لغيره
۶۸	 مرحله چهارم: مواد سه گانه، وجوب و امکان و امتناع
۶۸	 فصل اول: تعریف مواد ثلاث و انحصار آنها
۶۸	 حصر عقلی مواد در سه
۶۹	 فصل دوم: تقسیم مواد ثلاث به بالذات و بالغیر و بالقیاس الی الغیر
۷۰	 فصل سوم: واجب الوجود ماهیت ندارد
۷۰	 برهان بر ماهیت نداشتن خداوند
۷۱	 فصل چهارم: واجب الوجود بالذات، واجب الوجود از همه جهات است
۷۱	 فصل پنجم: شیء تا واجب نشود موجود نمی‌شود و بطلان قول اولویت
۷۱	 توضیح قول اولویت و رد آن
۷۲	 خاتمه
۷۳	 فصل ششم: معانی امکان
۷۳	 اقسام ضرورت

۷۳	اقسام امکان
۷۴	فرق‌های امکان استعدادی و ذاتی
۷۵	فصل هفتم: امکان اعتبار عقلی است و لازم ماهیت می‌باشد
۷۵	فصل هشتم: ملاک نیازمندی ممکن به علت
۷۶	برهان اول
۷۶	برهان دوم
۷۷	سخن متکلمین
۷۸	فصل نهم: ممکن در بقاء هم نیاز به علت دارد همان‌طور که در حدوث نیاز به علت دارد
۸۲	مرحله پنجم: ماهیت و احکام آن
۸۲	فصل اول: ماهیت از جهت ماهیت بودن هیچ چیز جز ماهیت نیست
۸۳	فصل دوم: اعتبارات ماهیت و مسائل آن
۸۴	فصل سوم: معنای ذاتی و عرضی
۸۵	فصل چهارم: جنس، فصل و نوع و بعضی از ملحقات آن‌ها
۸۶	لحاظ‌های جنس و فصل
۸۷	فصل پنجم: بعضی از احکام فصل
۸۸	فصل ششم: نوع و بعضی از احکام آن
۸۸	ماهیات نوعیه
۸۹	فصل هفتم: کلی و جزئی و نحوه وجود آن‌ها
۹۰	فصل هشتم: تمیز ماهیات و تشخیص آن‌ها
۹۴	مرحله ششم: مقولات عشر (دهگانه)
۹۴	فصل اول: جوهر و عرض و تعداد مقولات
۹۵	فصل دوم: اقسام جوهر
۹۶	فصل سوم: جسم
۹۷	اقوال و نقد آنان
۹۸	سخن نهایی و قول حق

فهرست ■ ۹

۹۸	نمای کلی اقوال.....
۹۹	فصل چهارم: اثبات مادهٔ اولی و صورت جسمیه.....
۹۹	فصل پنجم: اثبات صورت‌های نوعیه.....
۹۹	برهان بر اثبات صورت‌های نوعیه.....
۱۰۰	فصل ششم: تلازم ماده و صورت.....
۱۰۰	برهان بر تلازم ماده و صورت.....
۱۰۰	فصل هفتم: هریک از ماده و صورت نیازمند دیگری هستند.....
۱۰۰	بیان اجمالی.....
۱۰۱	بیان تفصیلی.....
۱۰۱	اشکال.....
۱۰۲	جواب.....
۱۰۲	فصل هشتم: نفس و عقل موجود هستند.....
۱۰۳	خاتمه.....
۱۰۳	فصل نهم: کم و انقسامات و خواص آن.....
۱۰۴	خواص کم.....
۱۰۴	فصل دهم: کیف.....
۱۰۵	فصل یازدهم: مقولات نسبی.....
۱۰۸	مرحله هفتم: علت و معلول.....
۱۰۸	فصل اول: اثبات علتیت و معلولیت و این‌که علتیت در وجود است.....
۱۰۸	اثبات رابطهٔ علتیت و معلولیت.....
۱۰۸	مجموع علت چیست؟.....
۱۰۹	فصل دوم: انقسامات علت.....
۱۱۰	فصل سوم: وجوب وجود معلول، هنگام وجود علت تامه و وجوب وجود علت، هنگام وجود معلول.....
۱۱۰	اثبات مدعای اول: وجود معلول نزد وجود علت تامه‌اش.....
۱۱۱	اثبات مدعای دوم: وجود علت نزد وجود معلول.....

۱۱۱	برهان دیگر.....
۱۱۱	فصل چهارم: قاعدة الواحد.....
۱۱۱	اصطلاحات.....
۱۱۱	برهان بر قاعدة الواحد.....
۱۱۲	نتایج این قاعده.....
۱۱۲	فصل پنجم: محال بودن دور و تسلسل در علل.....
۱۱۲	محال بودن «دور».....
۱۱۳	محال بودن «تسلسل».....
۱۱۳	برهان اول: وسط و طرف (برهان بوعلی).....
۱۱۳	برهان دوم: وجود رابط.....
۱۱۴	فصل ششم: علت فاعلی و اقسام آن.....
۱۱۴	اقسام فاعل.....
۱۱۴	مثال های اقسام فاعل.....
۱۱۵	فصل هفتم: علت غائی.....
۱۱۶	فصل هشتم: اثبات غایت برای افعالی که بازی، گراف و باطل شناخته می شود و همین طور حرکات طبیعی و غیر از آن.....
۱۱۶	بیان اشکال.....
۱۱۶	جواب از اشکال.....
۱۱۷	مبادی فعل و اقسام فعل (جواب کامل به اشکال).....
۱۱۸	فصل نهم: رد قول به اتفاق و نفی رابطه بین غایت افعال و علت های فاعلی.....
۱۱۸	بیان اشکال.....
۱۱۸	جواب.....
۱۱۹	فصل دهم: علت صوری و مادی.....
۱۱۹	فصل یازدهم: علت جسمانی.....
۱۲۲	مرحله هشتم: واحد و کثیر.....
۱۲۲	فصل اول: معنای واحد و کثیر.....

فهرست ■ ۱۱

۱۲۲	تنبيه.....
۱۲۲	اشكال.....
۱۲۳	جواب.....
۱۲۳	فصل دوم: اقسام واحد.....
۱۲۴	فصل سوم: حمل.....
۱۲۵	فصل چهارم: تقسيم‌های حمل شايع صنايع.....
۱۲۵	اعتبار اول: موافات و اشتقاق.....
۱۲۵	اعتبار دوم: بتی و غير بتی.....
۱۲۵	اعتبار سوم: بسیط و مرکب.....
۱۲۶	قاعده فرعيه و اشكال وارد شده بر آن.....
۱۲۷	فصل پنجم: غيريت و تقابل.....
۱۲۸	فصل هفتم: تقابل تضاد.....
۱۲۸	فصل هشتم: تقابل عدم و ملكه.....
۱۲۹	فصل نهم: تقابل تناقض.....
۱۲۹	فصل دهم: تقابل واحد و كثير.....
۱۳۰	تممه.....
۱۳۲	مرحله نهم: سبق و لحوق و قدم و حدوث.....
۱۳۲	فصل اول: معنای سبق و لحوق و اقسام آن‌ها و معیت.....
۱۳۲	اقسام سبق و لحوق.....
۱۳۳	فصل دوم: ملاک سبق و لحوق.....
۱۳۴	فصل سوم: قدم و حدوث و اقسام آن‌ها.....
۱۳۴	معنای حدوث و قدم.....
۱۳۵	اقسام قدم و حدوث.....
۱۳۸	مرحله دهم: قوه و فعل.....
۱۳۸	فصل اول: هر حادث زمانی، مسبوق به قوه وجود.....

۱۳۸	اثبات قاعده.....
۱۳۹	نتایج قاعده.....
۱۳۹	فصل دوم: تقسیم تغیر.....
۱۳۹	فصل سوم: تعریف حرکت.....
۱۳۹	تعریف ارسطو از حرکت.....
۱۴۱	فصل چهارم: حرکت متوسطه و قطعیه.....
۱۴۲	فصل پنجم: مبدأ و منتهای حرکت.....
۱۴۳	فصل ششم: موضوع حرکت یا همان متحرک.....
۱۴۳	فصل هفتم: فاعل حرکت یا همان محرک.....
۱۴۴	فصل هشتم: ارتباط متغیر با ثابت.....
۱۴۴	اشکال.....
۱۴۴	جواب.....
۱۴۴	فصل نهم: مسافتی که متحرک با حرکت می‌پیماید.....
۱۴۵	فصل دهم: مقولاتی که در آن‌ها حرکت واقع می‌شود.....
۱۴۶	فصل یازدهم: حرکت جوهریه.....
۱۴۶	برهان بر حرکت جوهریه.....
۱۴۶	اشکال و جواب اول.....
۱۴۶	اشکال و جواب دوم.....
۱۴۷	اشکال و جواب سوم.....
۱۴۷	برهانی دیگر بر حرکت جوهریه.....
۱۴۷	نتایج حرکت جوهری.....
۱۴۸	فصل دوازدهم: موضوع حرکت جوهریه و فاعل آن.....
۱۴۸	تحقیق در مسأله.....
۱۴۹	نتایج بحث.....
۱۴۹	فصل چهاردهم: سرعت و کندی (بطء).....

فهرست ■ ۱۳

۱۵۰	فصل یازدهم: سکون
۱۵۰	فصل شانزدهم: انقسامات حرکت
۱۵۱	خاتمه
۱۵۱	نتایج بحث قدرت
۱۵۴	مرحله یازدهم: علم و عالم و معلوم
۱۵۴	فصل اول: تعریف علم و تقسیم اولی علم
۱۵۴	اثبات اتحاد علم و عالم و معلوم
۱۵۵	اثبات عدم تغییر در علم
۱۵۶	نتایج بحث
۱۵۶	فصل دوم: تقسیم علم حصولی به کلی و جزئی
۱۵۷	نتیجه بحث
۱۵۷	فصل سوم: تقسیم دیگر گونه علم به کلی و جزئی
۱۵۸	فصل چهارم: انواع تعقل
۱۵۸	فصل پنجم: مراتب عقل
۱۵۸	فصل ششم: مفیض صورتهای علمیه
۱۵۹	فصل هفتم: تقسیم علم حصولی به تصور و تصدیق
۱۵۹	تحقیق
۱۵۹	نتایج بحث
۱۶۰	فصل هشتم: تقسیم علم حصولی به بدیهی و نظری
۱۶۰	تنبیه
۱۶۰	انواع سوفسطایی و نقدان
۱۶۱	فصل نهم: تقسیم علم حصولی به حقیقی و اعتباری
۱۶۱	نتایج بحث
۱۶۲	معانی دیگر اعتباری
۱۶۲	فصل دهم: احکام متفرقه

۱۴ ■ برپای حکمت، توضیح موداری بدایة الحکمة

فصل یازدهم: هر مجردی عقل و عاقل و معقول است.....	۱۶۳
فصل دوازدهم: علم حضوری اختصاص به علم چیزی به خودش ندارد.....	۱۶۴
مرحله دوازدهم: آن چه به واجب تعالی تعلّق دارد.....	۱۶۶
فصل اول: اثبات ذات خداوند.....	۱۶۶
برهان صدیقین.....	۱۶۶
برهان امکان و وجوب.....	۱۶۷
فصل دوم: اثبات وحدانیّت خداوند.....	۱۶۷
برهان صرف الوجود.....	۱۶۷
برهان ترکیب.....	۱۶۷
تتمه.....	۱۶۸
بیان اشکال.....	۱۶۸
جواب.....	۱۶۸
فصل سوم: خداوند متعال افاضه کننده هر وجود و هر کمال وجودی است.....	۱۶۸
برهان اول.....	۱۶۸
برهان دوم.....	۱۶۹
نتیجه.....	۱۶۹
تتمه.....	۱۶۹
فصل چهارم: صفات واجب الوجود و معنای اتصافش به صفات.....	۱۷۰
اقسام صفات ذاتی.....	۱۷۱
اقوال در مورد صفات حقیقی.....	۱۷۱
فصل پنجم: علم خداوند.....	۱۷۴
بیان علم اجمالی در عین کشف تفصیلی.....	۱۷۴
نتیجه.....	۱۷۴
تتمه.....	۱۷۴
فصل ششم: قدرت خداوند.....	۱۷۷

فهرست ■ ۱۵

۱۷۷	اشکال اول.....
۱۷۸	اشکال دوم.....
۱۷۹	اشکال سوم.....
۱۷۹	فصل هفتم: حیات باری تعالی.....
۱۷۹	اثبات حیات باری تعالی.....
۱۸۰	فصل هشتم: اراده و کلام باری تعالی.....
۱۸۰	فصل نهم: فعل خداوند و تقسیماتش.....
۱۸۱	عوالم سه گانه.....
۱۸۱	فصل دهم: عقل مفارق و کیفیت حصول کثرت در آن در فرض کثرت.....
۱۸۲	کثرت در عقل مفارق.....
۱۸۲	فصل یازدهم: عقول طولی و صادر نخستین.....
۱۸۳	فصل دوازدهم: عقول عرضی.....
۱۸۳	برهان‌هایی بر قول به «رب النوع» یا «مُثَل».....
۱۸۵	فصل سیزدهم: مثال.....
۱۸۵	فصل چهاردهم: عالم مادی.....

پیش درآمد

«وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱

اگر به کسی بگوییم فلسفه نخوان! معنای سخنمان آن است که فکر نکن! اگر به انسانی بگوییم فکر نکن! یعنی به او گفته‌ایم انسان نباش! از همین رو است که دکارت فرانسوی نفس انسانی را جوهری متفکر می‌داند.^۲

فلسفه در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود مکاتب و تفکرات گوناگونی به خود دیده است. از پای استدلالی مشاء تا عصای کشف و شهود اشراق تا بال‌های هستی‌بخش حکمت متعالیه.

اگر قرار باشد انسان را وسیله رسیدن به حقیقت تلقی کنیم، شیخ الرئیس ابن سینا سرآمد مکتب مشاء بر این باور بوده است که تنها راه کشف حقیقت از راه عقل این انسان است. شیخ شهاب الدین سهروردی یا همان شیخ اشراقی تلاش کرده از راه روح و نفس الهی این انسان، حقیقت را بازشناسد. و صدرا المتألهین شیرازی پایه‌گذار مکتب متأله خواسته حقیقت را با تمام ابعاد انسان بیابد. نه فقط با عقل، نه تنها با نفس. بلکه با عقل و نفس و حتی با توجه به جسم. بلکه به این بسنده ننموده و پای وحی را نیز به میان آورده و چه زیبا فرموده: «تَبَّاءُ لِفَلَسَفَةٍ تَكُونُ قَوَانِيْنَهَا غَيْرَ مُطَابَقَةٍ لِّلْكِتَابِ وَ السَّنَةِ».^۳

گاهی کتاب را در کنار سنت مطرح می‌کنند، گاه در کنار عترت و گاهی در کنار حکمت. و ما معتقدیم سنت و عترت و حکمت از یکدیگر جدا نیست. و این سه از کتاب الهی جدایی ندارد. هم آن‌ها که گفتند حسبنا کتاب الله! و نقل سنت نبوی را ممنوع کردند، در خانه عترت را بر حقیقت‌جویان بستند و برخی دیگر به همان صورت ندای حسبنا کتاب الله سر می‌دهند و باب حکمت را بر مردمان بسته می‌خواهند. حکمتی که اگر نیازی بدان نبود چرا باید در کنار کتاب به انبیای الهی داده می‌شد؟ «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ».^۴ کتاب نماد وحی و حکمت نماد عقل است و این دو رسولان عیان و نهان الهی‌اند. نه در برابر یکدیگر که یاور و یار یکدیگرند.

حکمت در اصل لغت از حَکَمَه می‌آید به معنای لگام حیوان. چرا که حکمت جانور جهل آدمی را با لجام عقل مهار می‌کند. و در اصطلاح حکمت به معنای رسیدن به حقیقت با علم و عقل است. وقتی این صفت به خداوند منتسب می‌شود به معنای شناخت اشیاء و ایجاد آن‌ها به گونه‌ای استوار است. و آن‌گاه که به

۱. و کسی را که حکمت ارزانی شود، همانا خیر فراوانی داده شده است. بقره، ۲۶۹.

۲. رنه دکارت، تأملات در فلسفه اولی، تأمل دوم، صص ۴۵-۵۹.

۳. ناپود باد فلسفه‌ای که قوانینش مطابق با کتاب و سنت نباشد. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۸،

صص ۳۰۳.

۴. نساء، ۵۴.

انسان حکیم می‌گویند به معنای شناخت موجودات و انجام خیرات است.^۱ حکمت در گذشته به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شد و تمام علوم حقیقی و غیر قراردادی را شامل می‌شد. از همین رو در معنای آن هم شناخت (نظری) و هم فعل خیر (عملی) آمده است. امروزه حکمت و فلسفه بیشتر به بخش نظری و معرفت موجودات اطلاق می‌شود که همان فلسفه اولی یا الهیات بالمعنی الأعم است.^۲

کتاب شریف بدایة الحکمة گرچه در اسم، ابتدا است ولی در مسمای خود و خواننده را تا منتها می‌رساند. سفینه‌ای است که طالب سیر در بحار اسفار اربعه را با خود به مراحل سیر و سلوک، کشف و شهود و برهان و حقیقت می‌برد. شهد شیرین قرآن را این بار از بام برهان در جام عرفان می‌ریزد و کام طالبان را لبریز از انوار معارف می‌کند. سفری که از وجود آغاز می‌شود و در طی دوازده منزل به مبدأ وجود پایان می‌یابد.

چطور می‌شود شکر این نعمت را به جای آورد که بزرگانی چون علامه طباطبایی قدس الله نفسه الزکیه را ارزانی طالبان دانش و ارزش نمود تا آن معارف ناب و کمیاب را بی‌کم و کاست از اساتید خردپیشه خویش تحویل گیرد و در کام شاگردانی با معرفت همچون علامه حسن‌زاده املی حفظه الله بریزد. و سپاس بی‌مرز خداوند حکیم را که این سلسله مبارک را توسط شاگرد خاص حضرت علامه حسن‌زاده، حضرت آیت‌الله عباسی خراسانی دامت برکاته به دیگر طالبان و رهپویان حکمت متعالیه رساند. تا اساتیدی همچون حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدصادق عباسی دامت توفیقاته در مکتبشان زانوی ادب بزنند و حاصل خوشه‌چینی خویش را در خامه قلم بریزند.

بدایة الحکمة که نخستین کتاب آموزشی فلسفه در سطوح عالی حوزه‌های علمیه است نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری تفکر فلسفی طلاب عزیز دارد. همیشه اولین‌ها مهم‌ترین‌ها هستند. فلسفه فی‌نفسه علمی است که فهم آن برای همه آسان نیست. گاه بیان نامناسب بر سختی آن می‌افزاید و طلبه نوافلسفه را ناامید از یادگیری حکمت می‌کند. در این راه شرح‌های بسیار مفصل کاری جز سردرگم کردن و افزودن بر تراکم اطلاعات نامفید نمی‌کند و تلخیص‌ها نیز گاه جز بر ابهام نمی‌افزاید و سطحی‌نگری را رواج می‌دهد. کتاب پیش‌روی شما از آن جهت بی‌همتا است که نویسنده محترم پس از چند دوره تدریس بدایه و کار روی نهاییه و نوشتن شرح و تلخیص برای این دو اثر، دانش و نگارش خود را درآمیخته و راه وسط را پیموده است. بنده که خط به خط کتاب حاضر را خواندم، آن را نه شرحی طولانی و ممل و نه تلخیصی مختصر و مخل یافتم! بلکه مجموعه‌ای است که در عین دارا بودن تمام مطالب کتاب و حتی توضیح روان آن‌ها، با

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۴۸.

۲. در برابر الهیات بالمعنی الأخص که همان معارف مربوط به ذات اقدس الهی است و بخشی از فلسفه اولی محسوب می‌گردد.

بربال حکمت، توضیح نموداری بذایة الحکمة ■ ۱۹

دسته‌بندی منسجم و استفاده از روش نوین یادگیری، غول فلسفه را برای طالبانش دوستی همراه کرده است. خداوند حکیم بر توفیقات ره‌پویان معرفت بیفزاید.
«رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»^۱

محمد مهدی عباسی آغوی
قم مقدس